

آبکنار: من اگر یک قسمت از سریال ۴۰ درصد به متن وفادار بودم
از آن قسمت راضی بودم. واقعیت اینجاست که گاهی
خیلی از قسمت هایی را که خودم نوشته بودم اصلاً به جانی آوردم



گفت و گو با گروه نویسندگان جوان این روزهای تلویزیون

شروع نود قسمتی ها با طنز پلاک ۱۳

و جوان تازگی داشتند. البته در سریال تلویزیونی، بازیگر خیلی اهمیت دارد. اما وقتی شما به عنوان مخاطب، با یک سریال ۹۰ شبی طرف هستید، قصه اهمیت بیشتری برایتان پیدا می کند. در سریال های کمدی مانند زیرخاک که قصه، کوتاه و متکی بر دو بازیگر اصلی است، بازیگر بیشترین تاثیر را در جذب مخاطب دارد. در سریال های طولانی که شما باید قصه و ماجراها را بین همه شخصیت ها پخش کنید، طراحی شما اولویت پیدا می کند.

آبکنار: همین حالا در بیشتر سریال های شبکه خانگی، تهیه کننده و کارگردان ها تا می توانند حتی برای نقش های فرعی هم از بازیگرهای چهره استفاده می کنند اما معمولاً تکلیف مخاطب با این سریال ها در سه چهار قسمت اول مشخص می شود و اگر قصه جذابی در کار نباشد، مخاطب به راحتی سراغ فیلم یا سریال دیگری می رود. در واقع این روزها آنقدر دست مخاطب برای انتخاب باز است که بعید به نظر می رسد مخاطبی صرفاً به خاطر یک یا چند بازیگر خاص، کل یک سریال را، آن هم ۹۰ شب دنبال کند.

چالش های نوشتن کار روز پخش چه بود؟
غزنچایی: مهم ترین چالش نوشتن سریالی که قرار است روز پخش باشد، رسیدن به آنتن است. تعجیل برای تولید و پخش سریال، می تواند روی کیفیت بخش های مختلف پروژه تاثیر بگذارد. متن فیلمنامه هم از این قاعده مستثنا نیست. سرعت عمل برای نگارش قسمت هایی که قرار است بلافاصله تولید شود و روی آنتن برود، ضریب خطا را بالا می برد. مخاطب امروز، کار شما را با بهترین کار کمدی در دنیا مقایسه می کند. بعضی

اگر ایده آل خودمان را در نظر بگیریم فکر می کنم با ایده آلمان فاصله داریم.

آیا این موفقیت به دلیل استفاده از بازیگران چهره نبود؟

غزنچایی: این تصویری است که امکان دارد برای برخی مخاطبان پیش آمده باشد. بازیگران چهره سریال ما نسبت به سریال های رقیب، کمتر هم بود. برخی از بازیگران پلاک ۱۳، قبل از این سریال فقط در یک یا دو سریال دیگر نقش آفرینی کرده بودند و برای مخاطب عام شناخته شده نبودند. برخی دیگر از بازیگران هم سال ها بود که از فضای بازیگری در سریال های تلویزیونی، به خصوص فضای طنز دور شده بودند و برای مخاطب نوجوان

سریال پلاک ۱۳ از جمله سریال هایی است که مورد توجه مخاطبان قرار گرفته است. آرش معیریان که به تازگی کارگردانی سریال «بیگانه ای با من است» را به عهده داشت این کار را کارگردانی می کرد. تهیه کنندگی پلاک ۱۳ به عهده سلیم ثنائی و نویسندگی این کار هم به صورت مشترک توسط تیم جوانی به سرپرستی امیر ایلی انجام شده است. این سریال ۹۰ قسمتی با توجه به استقبال مخاطبان اما مورد انتقاد، منتقدان نیز قرار گرفته است. حال با پایان این مجموعه فرصتی شد در این شماره با سه نفر از نویسندگان جوان این مجموعه مسعود غزنچایی، حامد آبکنار و محمد حسن رعیت پور به گفت و گو بنشینیم.

محمد رضا موحّدزاد
خبرنگار

به نظر خودتان پلاک ۱۳ در جذب مخاطب موفق بود؟

رعیت پور: باید اول موفقیت را تعریف کنیم. اگر منظور از موفقیت جذب مخاطب باشد، آمارها نشان می دهد نمره خوب و قابل قبولی گرفتیم اما

چه شد که تلویزیون دوباره سراغ ساخت یک سریال ۹۰ شبی رفت...؟

غزنچایی: تجربه های موفق که تلویزیون در دهه ۸۰ در ساخت سریال های کمدی ۹۰ شبی مانند زیر آسمان شهر، پاورچین و برره داشت، انگیزه خوبی برای ساخت چنین مجموعه ای برای تلویزیون بود اما رفتن چهره هایی مانند مهران مدیری و رضا عطاران، مهران غفوریان و... برای مدتی از تلویزیون ریسک ساخت این آثار را زیاد کرد. تولید یک سریال ۹۰ شبی کمدی، قواعدی هم دارد که اگر رعایت نشود، می تواند به کلیت کار و اهداف آن ضربه بزند.

آبکنار: بهتر است بپرسیم چه شد که این همه سال، تلویزیون سریال ۹۰ شبی نداشت؟ با توجه به موفقیت این نوع سریال ها در نیمه دوم دهه ۷۰ و البته دوران طلایی سریال های ۹۰ شبی در دهه ۸۰، انتظار می رفت این روند یکباره متوقف نشود اما این نوع سریال ها برای مدتی طولانی از جدول پخش شبکه ها خارج شدند که فکر می کنم دلیل اصلی اش این بود که در سال های اخیر تعداد شکست پروژه های کمدی در تلویزیون زیاد شد که عوامل زیادی هم در آنها دخیل بود.

